

سید محمدرضا حسینی جلالی، پژوهشگر متون کهن شیعی درگذشت.

وی از جمله نوادر علمای معاصر بود که عمر پرپرکت خویش را در راه تحقیق و تصحیح متون رجالی و حدیثی شیعی چون رجال ابن غضائری، شرح البدایه فی علم الدرایه، آداب المتعلمین خواجه نصیر طوسی، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد شیخ مفید و آثار تحقیقی

درگذشت پژوهشگر متون کهن شیعی

شاعری که به فیثاغورث شبیه است

کتاب «زندگی در آمنیون» سروده قاسم رفعت حسینی شاعری متفاوت را در برابر مخاطبان قرار داده است

در فیلم سینمایی «همه صبح‌های جهان» به کارگردانی آلن کورنو که براساس رمانی از نویسنده مشهور فرانسوی پاکسال کینیار ساخته شده، حکایت زندگی موسیقیدانی روایت می‌شود که در اوج شهرت همسرش را از دست می‌دهد و با دو دخترش زندگی

می‌کند که در طول داستان یکی از دخترانش با شاگرد پدر ازدواج می‌کند. شاگرد کم‌کم جذب زرق و برق دربار می‌شود و سال‌های زیادی از عمرش را در خدمت پادشاه می‌گذراند و برای درباریان ویولنسل می‌نوازد. پس از مدت‌های طولانی دوباره نزد استاد برمی‌گردد و احساس می‌کند که عمرش را هدر داده است. شاگرد و استاد حرف‌های تأمل برانگیزی با هم می‌زنند که شنیدنی است. به‌عنوان مثال استاد از شاگردش می‌پرسد تو چرا ویولنسل می‌زنی؟ شاگرد می‌گوید: چون می‌خواهم چیزی بگویم. استاد می‌گوید: خوب بگو این‌که ویولنسل نمی‌خواهد. شاگرد با تعجب می‌گوید: پس چرا ویولنسل می‌زنیم؟ استاد می‌گوید: برای چیزهایی که نمی‌توانیم بگوییم. من از رفعت پرسیدم چرا شعر می‌گویی؟ گفت: برای چیزهایی که نمی‌توانم بگویم. که اگر جواب دیگری می‌داد من هم نقد دیگری بر کتابش می‌نوشتم. شعر یک مقاله علمی نیست. یک کتاب کشف اسرار نیست و اصلا وظیفه شاعر نیست که به سؤالات مردم پاسخ بدهد. شاید شاعر می‌خواهد در ذهن ما سؤال ایجاد کند. شاید به خاطر همین است که در آرمان شهر افلاطون، جایی برای شاعران نیست. شاعران خدای کلمه‌اند و از آفریده‌های خود توقعات زیادی دارند. شاعران می‌گویند: وقتی کلمه نمی‌تواند خودش را توضیح بدهد چگونه می‌تواند مرا توضیح بدهد. گاهی کلمات در کاربرد عادی خود ناخواند و به ما دروغ می‌گویند. از نظر من گاهی کلمات بین ما و حقیقت فاصله ایجاد می‌کنند و اگر بتوانیم کلمات را حذف کنیم بهتر می‌توانیم هم را درک کنیم. «زندگی در آمنیون» برای من نامفهوم است که اگر مفهوم بود هرگز نقدی بر آن نمی‌نوشتیم. من بچه‌ها را دوست دارم. فیلسوف‌های بزرگ و دیوانه‌ها را هم دوست دارم چون شاعرانه و متفاوت حرف می‌زنند رازآلود و مبهم. شاعر قرار نیست ما را به جای مشخصی ببرد و یک معادله ریاضی را حل کند، شاعر ما را از کنار خیلی چیزها رد می‌کند و توجه ما را به جاهایی جلب می‌کند که هیچ دانشمندی نمی‌تواند؛

رازها ما را رها نمی‌کنند/ از سر ما دست برنمی‌دارند/ زیر دست و پا نمی‌میرند/ به سرم دست می‌کشم / زنی زنده می‌شود/ مادرم می‌میرد/ ذبیح می‌خندد/ رازها همین‌اند/ روح سنگین یک چنایند/ خونی که دلمه بسته/ زخم باز یک خنجرند/ خیانتی که بین دو انگشت پنهان شده/ نفرینی که به خانه‌اش برگشته/ ریشه‌ای که در انگشت‌ها زندگی می‌کند.

بالاخره رازها کد آمدند؟ حتما می‌گویند خیانتی که بین دو انگشت

و تألیفی دیگر اختصاص داد و با تألیف کتابی ارزشمند درباره تصحیح متون با عنوان «علم تحقیق النصوص، ماهو؟ ولماذا؟ وکیف؟» راه را برای محققان علاقه‌مند به پژوهش متون شیعی هموار کرد. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور پیامی درگذشت آیت‌الله سیدمحمدرضا حسینی جلالی را تسلیت گفت.

در پیام صالحی آمده است: خبر ارتحال عالم جلیل‌القدر

پنهان شده یا خونی که دلمه بسته اما من می‌گویم اگر قرار باشد رازها را تعریف کرد که دیگر رازیستند. اصلا چرا باید رازها را ز پرده بیرون کشید. رازاگر راز نباشد که راز نیست. رفعت چه می‌خواهد بگوید؟ خودش هم نمی‌داند. یا نمی‌تواند بگوید. که اگر می‌دانست یا می‌توانست می‌گفت و آن قدر بال‌بال نمی‌زد و به شعر رونمی‌آورد؛ می‌ترسم بیدار شوم / ببینم همه چیز اشتباه بوده / ببینم جای کلمه‌ها را نمی‌دانم / و خودم نباشم این‌که نشسته است روی نیمکت چوبی / و درخت انجیر نباشد می‌خواهم بیرسم کجایم ای دست‌های من / ای طاعون کجایم... و دهانم را چرا پیدا نمی‌کنم شاید اصل «عدم قطعیت» است که موضوع مرگ مؤلف را در سال‌های اخیر پررنگ‌تر کرده و شاید لذت نفهمیدن از فهمیدن بیشتر است؛

کلمه‌ها به من بی‌ربطند/ یکی بگوید من چه می‌گویم/ دستانم چرا کخت است/ آسمان و ریسمان می‌یافم

🔖 من از یک می‌ترسم

رفعت علاقه خاصی به عددها دارد. این معلم ریاضی، آدم را یاد فیثاغورث می‌اندازد، مردی که دو جنبه مختلف شخصیتی داشت؛ یکی به‌عنوان فیلسوف و دیگری به‌عنوان ریاضیدان مطلق. شخصیت فیثاغورث در هر دو مورد بی‌اندازه مؤثر بود. وی معتقد بود «همه چیز عدد است» و استدلال می‌کرد جهان تحت حاکمیت اعداد قرار دارد. پیروان فیثاغورث ادعای کردند که فاصله‌های میان خورشید، ماه و سیاره‌ها مطابق با فواصل میان نت‌های موسیقایی است و از همه مهم‌تر آنها می‌گویند اعداد حاکم بر شکل‌ها و حتی تصورات هستند.

رفعت مثل فیثاغورث اعداد را به دید عرفانی نگاه می‌کند: من از یک می‌ترسم / این عدد همه چیز را از ما می‌داند

یا: صورت عوض شده/ ۱۱ مساوی ۲ شده/ روی گچ‌های مرده نوشته؛ یک به علاوه یک مساوی صفر/ و نمی‌دانی زندگی چند روز دیگر زنده است/ و مرگ کی می‌میرد

از یک چشم می‌زنم/ از ۳ حساب می‌برم/ از ۱۳ می‌گریزم/ مسیح را همین عدد به کشتن داد

من عدد پی‌ام / زینبی با دنده‌های شکسته

شاعر کتاب زندگی در آمنیون گاهی به زبان محاوره شعر می‌گوید. اما کلمات را نمی‌شکند و زبان محاوره را با لهجه تهرانی

اشتباه نمی‌گیرد.

می‌خواهم اشتباه کنم / ببخودی بخندم / گنده‌تر از خودم حرف بزنم / به خاکی بزنم / چپ‌کنم مثل کامیون / به ساعت ۳

نرسم / کنم گیر کند لای در مترو.

در این شعر اتفاق زبانی خاصی نیفتاده چند جمله ساده

و محقق بصیر، آیت‌الله سیدمحمدرضا حسینی جلالی، موجب تألم و اندوهی گران شد. فقیهی وارسته، محدثی ژرف‌اندیش و پژوهشگری نستوه که عمر پرپرکت خود را در راه اعتلای معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و پاسداشت گنجینه‌های گرانسنگ حدیث و تاریخ شیعه صرف کرد. آثار گرانبقدر آن فقید سعید برگرفته از سال‌ها تتبع، تحقیق و دقت نظر در متون اسلامی است.



محاوره کنار

هم چیده

شده و یک اتفاق

شاعرانه را ترسیم می‌کند. رفعت برای

شگفت‌زده کردن مخاطب شعرش، فضای شاعرانه ایجاد می‌کند و ابزارهایش ساده‌گویی و جزئی‌نگری است و اتفاقات تصویری که مثل دانه‌های تصویر پشت سر هم اتفاق می‌افتند.

این تکه‌های تن من است / خون سیاه من است که ریخته / این چراغ خاموش / دندان پیش من است / من با کلمه‌ها شعر نگفتم تا بترسم / از صدایم بالا نرفتم / خواب بدی ندیدم / به دست‌هایم التماس نکردم / با دیوار حرف زدم / سرم را کشتم، مثل یحیی / و این خون من است که سَرّه می‌کند / چاله را پر می‌کند / و استکان مست شده و این شعر را که برای مرحوم بخشایشی سروده ببینید: اتاق را به‌هم ریخته گذاشتی، رفتی / و ملحفه دور پاهایت پیچیدی / با خودت نگفتی مادرم چگونه پنجره را ببندد؟ / از آخرین لکه پیراهنم را پاک کند / زخم‌هایش را بدوزد؟ / نگفتی با کدام دست گودی سرت را روی بالشت صاف کند؟

🔖 من قهوه‌ای تلخم

رفعت از به‌کار بردن کلمات قلمبه‌سلمبه پرهیز می‌کند، دنبال کلمات شاعرانه نیست و فکر نمی‌کند که بعضی از کلمات را نمی‌شود در شعر آورد. در جایی می‌گوید:

من شاعرم / از دروغ‌ها خوشم می‌آید / لیخنند را دوست دارم در عکس‌ها

یا:

ومن بازیگری بودم در نقش خودم / و زندگی قیلاتفاق افتاده بود هر کسی او را از نزدیک بشناسد، می‌داند که واقعیت همین است و این آدم دقیقا «خودش» است، یعنی خود خودش و از بس که خودش است شاعر شده و مرتب در کتاب شعرش دارد خودش را نشان می‌دهد. به جرات می‌توان گفت در تمامی اشعار این مجموعه یا از ضمیر اول شخص مفرد یا از کلمه من

استفاده شده است.

من قهوه‌ای تلخم؛ من با کلمه‌ها شعر نگفتم تا بترسم؛ من فقط یک مسیر بودم / ربلی که قطاری از آن عبور می‌کرد؛ من زکریا بودم / تنها بودم / درختی لخت که پرنده‌ها را می‌ترساند و...

رفعت با این همه توضیح که راجع به خودش می‌دهد باز هم نمی‌تواند بگوید من کیستم. اگر چه گاهی آدم را به خودش

نزدیک می‌کند مثلا وقتی می‌گوید:

سیلی خور قیصر بودم / با سمت راست صورتم / و سمت دیگر را خدا برای خودش برداشته بود

ساده‌تر بگویم شاعر در همه کتاب می‌خواهد خودش را توضیح دهد اما یا نمی‌تواند یا کلمه‌ها کم می‌آورند. رفعت در صفحات بعدی باز هم از منی‌که خودش نیست، می‌گوید:

من خودم نیستم / دست‌هایم مال خودم نیست /

شکل ۳۰ سالگی زنی می‌خندم که مرده

این من سردرگم و حیرانی در تمام این کتاب حضور دارد و شاعر نه می‌داند کیست و نه می‌داند دنبال چه می‌گردد. حالا اگر از من سؤال کنند این آقای قاسم رفعت حسینی کیست؟ می‌گویم نمی‌دانم و اگر بپرسند در این کتاب شعرش چه می‌خواهد

بگوید؟ باز هم می‌گویم نمی‌دانم

و اگر بپرسند چطور از مطلبی که نمی‌فهمی لذت می‌بری؟ می‌گویم نمی‌دانم. چون ندانستم هم قشنگ است و هم لذت‌بخش. یکی از لذت‌هایی که در قدیم متداول بود لذت حل مسأله بود مثلا چیستان مطرح می‌کردند یا حل جدول کسی که یک جدول را کاملاً حل می‌کند از دانسته‌هایش که منجر به حل

مسأله شده لذت می‌برد. من می‌خواهم بگویم یک لذت دیگر

وجود دارد و آن عدم حل مسأله یا «عدم درک مفهوم است».

به نظر من دوران «حکم‌اندازی» در حال اتمام است. دوره

قاطعانه حرف زدن گذشته. حالا باید با «عدم قطعیت» مواجه

شد. حالا دیگر نویسنده عقل کل نیست که تکلیف همه چیز

را معین کند و قطعنامه صادر کند و خواننده هم هورا بکشد و

تمام و کمال قبول کند.

ادبیات LITERATURE

چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ ۱۴۰۳ شماره ۶۹۹۸

🔖 نگاه

سعیده ملایی | نویسنده

شاعری مسیحی که برای امام علی (ع) شعر می‌گفت



عشق و ارادت به امام علی (ع) نقطه اشتراک همه آزادگان و حقیقت‌جویان عالم است. امام علی (ع) و خاندان پاک و مظهرش همواره مقتدای مؤمنان، زاهدان، سخنوران و موضوع آثار و تحقیقات ادبی فراوانی از سراسر جهان بوده‌اند. امام علی (ع) در میان متفکران مسیحی متأخر، محبان بسیاری دارد که از جمله آنها می‌توان به پولس سلامه، شاعر و نویسنده لبنانی اشاره کرد. او که زندگی پرتلاطم و سرشار از رنجی را تجربه کرده بود در طول سال‌های بیماری به نوشتن حماسه غدیر پرداخت.

پولس سلامه متولد ۱۹۰۲ میلادی، شاعر لبنانی، متولد شهر بکاسین، واقع در منطقه جزین لبنان بود. او سال‌ها در منصب قاضی کار کرد، بعد از چندی، بیماری او را به مدت ۴۰ سال فلج کرد و در این مدت، ۲۰ عمل جراحی سنگین انجام داد.

برخی رسانه‌های لبنان به‌دلیل رنج‌های جسمی که چند دهه طول کشید، به او لقب «ایوب قرن بیستم» دادند. او در دوران بیماری کتاب‌هایی نوشت که از مهم‌ترین آن می‌توان به حماسه غدیر اشاره کرد که مشتمل بر ۴۷ قصیده و ۳۵۰۰ بیت درباره آل‌الله و واقعه غدیر است.

«حماسه غدیر» نخستین حماسه تاریخ شعر عرب به‌شمار می‌رود. او در حماسه غدیر ماجراهای زندگی اهل بیت (ص) و مصائب کربلا را تا دوران سقوط امویان با زبان شعر روایت کرده است. پولس سلامه خود را یک مسیحی-علوی نامیده بود.

او در یک سخنرانی گفته بود: «جهان عرب به قهرمان نیاز دارد، و قهرمانان عرب بسیارند اما هیچ‌یک به گرد قدم‌های علی (ع) نمی‌رسند که جمع همه خوبی‌ها بود و تاریخ شجاعتی همچون شجاعت امام حسین (ع) را برای ایستادن در برابر ظلم و ستم سراغ ندارد.»

او در یکی از ابیات خود چنین می‌سراید: «نگو که شیعیان فقط هواداران علی هستند، بلکه در هر گروه منصفی شیعه‌ای هست / ای امیر اسلام مرا همین افتخار بس که دل و زبانم از تو تبریز شده است.» پولس سلامه در کتاب «خاطرات یک زخمی» که در سال ۱۹۵۰ منتشر شد، جزئیات رنج بیماری را توصیف کرد و از آرزوی دیدار مرگ نوشت. با این حال او ۴۰ سال بعد و در سال ۱۹۷۹ میلادی و در ۷۷ سالگی چشم از جهان فرو بست.

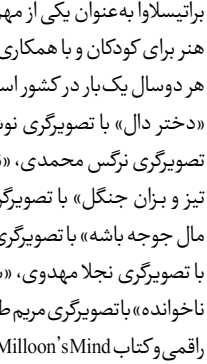
پولس سلامه یگانه متفکر مسیحی نبود که دل در گرو امام علی و اهل بیت (علیهم‌السلام) داشت بلکه از متفکران مسیحی که به عشق و ارادت به مولا علی (ع) معروفند، می‌توان به جرج جرداق، میشل کعدی، سلیمان کتانی، ریمون قسیس و عبدالمسیح انطاکی مصری اشاره کرد.

تجسمی

نامزدهای ایرانی مسابقه براتیسلاوا معرفی شدند

اسامی ۱۰ تصویرگر که نامزد دریافت جایزه دوسالانه تصویرگری براتیسلاوا ۲۰۲۵ شده‌اند از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک و انجمن تصویرگران ایران اعلام شد. مسابقه دوسالانه تصویرگری

براتیسلاوا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تصویرگری جهان زیرنظر خانه هنر برای کودکان و با همکاری دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) هر دوسال یک‌بار در کشور اسلواکی برگزار می‌شود. آثار منتخب عبارت است از: «دختر دال» با تصویرگری نوشین صادقیان، «بهرام و ماجرای هفت گنبد» با تصویرگری نرگس محمدی، «نمک شیرین» با تصویرگری نگار اورنگ، «مدرسه تیز و بزبان جنگل» با تصویرگری غزاله ییگدلو، «خودم دیدمش» و «همه‌اش مال جوجه باشه» با تصویرگری پدرام کارزونی، «خورشیدی در صحرای ترکمن» با تصویرگری نجلا مهدوی، «شیرشاه» با تصویرگری امیر شعبانی‌پور، «مهمان ناخوانده» با تصویرگری مریم طهماسبی، Dad's Right Here با تصویرگری مهشید راقمی و کتاب Milloon's Mind و "Imaginea Garden به تصویرگری هدا حدادی.



صحنه

«شک» کورش سلیمانی در ایرانشهر

کورش سلیمانی نمایش «شک» (یک‌تمثیل) را با بازی رویا افشار، بهنام تشکر، ویدا جوان و ساناز نجفی روی صحنه می‌برد. این کارگردان تئاتر تازه‌تأثیر نمایش خود را از ۱۷ فروردین ۱۴۰۴ در سالن استاد سمندریان تماشاخانه

ایرانشهر روی صحنه خواهد برد. نمایشنامه شک نوشته جان پاتریک شنلی، نمایشنامه‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ۷۵ ساله آمریکایی-ایرلندی است که با ترجمه محمد منعم اجرا می‌شود و پیش فروش بلیت آن از فردا پنجشنبه ۱۶ اسفند در سایت تیوال آغاز می‌شود. دیگر اعضای گروه اجرایی این نمایش به شرح زیر هستند: طراح صحنه: سینا بیلاقی بیگی، طراح گرافیک: مجید کاشانی، طراح لباس: مژگان عیوضی، ساخت تیزر و عکس: مصطفی قاهری، طراح نور: رضا خضرائی، انتخاب موسیقی: گلناز نوبیدان، طراح گرافیک، صفحات مجازی: معراج قنبری، گروه کارگردانی: دستیار اول و برنامه ریز: محمد حسن درباغی فرد، منشی صحنه: نیلوفر رازمند، دستیار دوم کارگردان: علی عسگری‌پور.



ارکستر سمفونیک تهران و آخرین برنامه سال

ارکستر سمفونیک تهران، به رهبری نصیر حیدریان، آخرین اجرای سال ۱۴۰۳ خود را با عنوان «ترانه‌های کلاسیک» در تالار وحدت روی صحنه می‌برد. ارکستر سمفونیک تهران در اجرای پیش رو با ترکیبی از قطعات ایرانی

و کلاسیک جهانی، به اجراهای خود در سال جاری پایان می‌دهد. بر همین اساس در این کنسرت قطعه «ترانه‌های کلاسیک» به آهنگسازی مانی جعفرزاده در کنار اپوس ۸۴ از اورتور آگمونت و همچنین اپوس ۶۷ از سمفونی شماره ۵ اثر بت‌هوفن، نواخته می‌شوند. ترانه‌های کلاسیک: کنسرت ارکستر سمفونیک تهران با حضور نصیر حیدریان به عنوان رهبر مهمان از ساعت ۲۱:۳۰ یکشنبه ۱۹ اسفند در تالار وحدت برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند بلیت آن را از سایت Honarticket.com تهیه‌کنند. نصیر حیدریان راستی، رهبر این ارکستر پس از دریافت دیپلم در رشته ساز ترومبون به عنوان نوازنده در ارکستر سمفونیک تهران فعالیت خود را آغاز کرد و به مدت دو سال در کنار کار اصلی خود، به عنوان رهبر و سرپرست گروه کر ارکستر سمفونیک تهران نیز فعالیت داشت.



رویداد

مرمت مدرسه تاریخی «دودر» به پایان رسید

مصطفی فیضی، قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی گفت: همزمان با ایام ماه مبارک رمضان مدرسه تاریخی «دودر» که سال‌ها میزبان فعالیت‌های قرآنی بوده است، پس از ۶ ماه تلاش مستمر، مرمت و بهسازی شد. خلیل‌الله

کاظمی، رئیس سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی نیز بایان این‌که مدرسه تاریخی دو در بنایی متعلق به عهد تیموری است که نما و تزئینات به‌کاررفته در آن نیز متعلق به این دوره است، افزود: از ابتدای شهریورماه ۱۴۰۳، مرمت و اصلاح این مدرسه آغاز شد و بهسازی آن شش ماه به طول انجامید. در این عملیات، سقف مدرسه به جهت اصلاح دید و منظر آن اصلاح شد، همچنین متناسب‌سازی معماری و تزئینات پوشش با بنای تاریخی مدرسه و اصلاح زیرساخت‌ها از دیگر اقداماتی بود که در این پروژه عمرانی انجام شد. در گذشته شش مدرسه تاریخی در مجموعه حرم مطهر رضوی وجود داشت که در حال حاضر فقط چهار مدرسه تاریخی پرباز، میرزا جعفر، دودر و خیرات خان در این بازگه منور به جا مانده است.

